



این بار آماتورها پیشتاز بودند

گزارش تحقیقی دانشجویان روزنامه‌نگاری باعث آزادی یک زندانی محکوم به اعدام پس از ۱۶ سال شد

نوشتهٔ سیندی ریچارد؛ خبرنگار شیکاگو تریبیون
ترجمه: فرید ادیب‌هاشمی

یافته بود. او که در فوریه گذشته از زندان دیث‌رو آزاد شد، دومین موردی بود که دانشجویان روزنامه‌نگاری دانشگاه نورث‌وسترن و آن کارگاه خصوصی با موفقیت روی آن کار کرده بودند. از سوی دیگر این اتفاق، از آنجا که باعث افزایش تقاضای تجدیدنظر در مجازات اعدام در این ایالت شده بود، برای مقامات رسمی مایهٔ خجالت و نگرانی بود. هرچند برخی

سرپرستی استادشان، دیوید پروتیس و با کمک پاول سیولینو، کارآگاه خصوصی، کاری را انجام دادند که پلیس، دادیارها و وکلای مدافع در انجام آن بازمانده بودند. آنها رهایی پورتر را با انتشار اعترافات قاتل اصلی، تضمین کردند.
از سال ۱۹۷۷ که مجازات اعدام در ایالت ایلی‌نویز مجدداً برقرار شد، پورتر دهمین فردی بود که از این زندان نجات

آنتونی پورتر، مدت ۱۶ سال در زندان دیث‌رو در انتظار اعدام بود. او در سال ۱۹۸۲ به‌خاطر قتل یک زوج جوان زندانی شد و امروز که یک فرد آزاد است، آزادی خود را نه مدیون سیستم قضایی آمریکا، بلکه مدیون گروهی از دانشجویان روزنامه‌نگاری در دانشگاه نورث‌وسترن می‌داند.
دانشجویان روزنامه‌نگاری، تحت

از سیاستمداران حدس زده بودند که موفقیت دانشجویان روزنامه‌نگاری، کارآیی سیستم را تضمین خواهد کرد، اما استاد روزنامه‌نگاری براین باور بود که کار دانشجویانش تأییدکننده ناکارآمدی سیستم است.

آنچه مقامات رسمی مایل نبودند پاسخ دهند این سؤال بود که چرا تعداد معدودی دانشجوی جوان قادر به انجام کاری هستند که جماعت کثیری از حرفه‌ای‌ها از انجام آن عاجزند؟ برای آن

■ دانشجویان روزنامه‌نگاری صرفاً به

دنبال جامه عمل پوشاندن به قاطعی بودند که در سرداشتند و این قطعیت و جدیت، به ندرت در نزد روزنامه‌نگاران حرفه‌ای یافت می‌شود.

■ یکی از دلایل توفیق دانشجویان و عدم توفیق حرفه‌ای‌ها، معصومیت و پاکی ناشی از جوانی آنان است.

سؤال دو پاسخ وجود داشت: وقت و پول. شرایط این پرونده خاص - که یک مرد سیاه‌پوست به قتل یک زوج سیاه‌متهم شده بود و در آن، مواد مخدر و رابطه بد همسایگی نیز دخیل بود - این اطمینان را ایجاد می‌کرد که ماجرا در مجموع از سوی پلیس، سرسری و شتابزده پیگیری شده و ثانیاً وسایل ارتباط جمعی نیز نسبت به آن بی‌اعتنا بوده‌اند.

وضعیت بد منابع مالی پورتر به معنای آن بود که او تنها می‌توانست وکیل

مدافع تسخیری اختیار کند. اما دانشجویان روزنامه‌نگاری که برای نمره بیش از پول کار می‌کردند در ماجرا وارد شدند. آنها صرفاً به دنبال جامه عمل پوشاندن به تصمیم قاطعی بودند که در سرداشتند و این قطعیت و جدیت، به ندرت در نزد روزنامه‌نگاران حرفه‌ای یافت می‌شود. معمولاً محدودیت‌های زمانی مربوط به انتشار روزنامه و منابع محدود شده خبری، روزنامه‌نگاران حرفه‌ای را ملزم می‌کند در آن واحد روی چند موضوع خبری کار کنند و این مانع از بروز چنین قطعیت و جدیتی می‌شود. حتی در تحریریه این روزنامه غیرحرفه‌ای که خبرنگاران شاغل در بخش روزنامه‌نگاری تحقیقی آن مجازند گاه تا چندین ماه روی یک پروژه خبری وقت صرف کنند - که هیچ شباهتی از نظر وقت و فشار زمانی با کار خبری در مرحله عملی و واقعی ندارد - دست‌اندرکاران ناچارند که از نیروهای آزاد استفاده کنند که اجازه پلیس دی‌ثرو را نیز همراه داشته باشند.

پروتیس معتقد است: «مردم، بسیار نگران جنایاتی هستند که متوجه بیگناهان می‌شود و این موضوعی نیست که مورد پسند آنها باشد. روزنامه‌ها منابع خبری خود را به گونه‌ای در اخبار مورد استفاده قرار می‌دهند که می‌تواند منجر به برکناری و سقوط مأموران رسمی شود و این وظیفه و کار آنهاست. اما این وظیفه از آزادی یک زندانی بیگناه از زندان دی‌ثرو مهمتر نیست.»

اما تام مک‌کان، دانشجوی سال آخر دانشگاه نورث‌وسترن و یکی از پنج دانشجویی که روی تکلیف عملی کلاس یادشده کار می‌کرد، دلیل دیگری را برای موفقیت دانشجویان و عدم توفیق حرفه‌ای‌ها یادآوری می‌کند:

معصومیت و پاکی ناشی از جوانی دانشجویان روزنامه‌نگاری. آنها برای جلب اعتماد و یلیام تایلور، شاهدهی که ۱۷ سال

قبل پورتر را به دروغ قاتل معرفی کرده بود، یک رفتار کاملاً غیر تهاجمی و غیر تهدیدآمیز از خود بروز دادند.

مک‌کان همچنین می‌گوید: ما از یک قابلیت منحصر به فرد برای گرفتن اظهار ندامت از او برخوردار بودیم، زیرا ما خارج از سیستم حکومتی هستیم. پلیس‌ها، وکلای مدافع و روزنامه‌نگاران حرفه‌ای، انعطاف‌ناپذیرند و موجبات وحشت و هراس تایلور را فراهم می‌ساختند. علاوه بر آن، به اعتقاد وی، در گفتن این جمله که «من، تام مک‌کان، خبرنگار روزنامه شیکاگو تریبون هستم»، ذاتاً نوعی تهدید

■ برخی از سیاستمداران

حدس زده بودند که موفقیت دانشجویان روزنامه‌نگاری کارآیی سیستم را تضمین خواهد کرد، اما استاد روزنامه‌نگاری براین باور بود که کار دانشجویانش تأییدکننده ناکارآمدی سیستم است.

و تهاجم وجود دارد که در عبارتی نظیر «من، دانشجو هستم و اگر با من صحبت نکنی مردود خواهم شد» اثری از آن تهدید و تهاجم دیده نمی‌شود.

قبل از بازجویی مجدد از شاهد، دانشجویان تمام آثار و گزارش‌های قبلی پلیس را نادیده گرفتند و تلاش کردند تا صحنه جنایت را بازآفرینی کنند. آنها، براساس ادله موجود، عمیقاً براین باور بودند که: غیرممکن است تایلور شاهد صحنه تیراندازی بوده باشد. آنها او را با ادله خود روبرو کردند و او گفت که دروغ گفته است، چون پلیس او را ترسانده بود.

کشف آنها، تقریباً خیلی دیر انجام شد. تنها دو روز به اعدام پورتر در سپتامبر گذشته باقی مانده بود. او آماده مرگ با تزریق سم بود، لباس مراسم تدفینش را انتخاب کرده بود، قد او را برای انتخاب تابوت مناسب اندازه گرفته بودند و از او خواسته بودند که آخرین غذایش را نیز انتخاب کند.

او با استفاده از امکاناتی که اجابت آخرین خواسته اعدامی فراهم ساخت، نجات یافت. به این ترتیب که وکیل او متقاعد شد که ضریب هوشی پایین پورتر

■ برخی معتقدند که در کار دانشجویان روزنامه‌نگاری، مرزهای موجود بین خبرنگاری و روزنامه‌نگاری طرفدارانه، مخدوش شده است.

بود، می‌گوید: مسأله، زمانی حل شد که همه منابع و امکاناتی که بالقوه در اختیارمان بود، به یکباره بالفعل شد.

پروتیس، با روزنامه‌نگاری رادیو تلویزیونی جذابش و اندکی تکبرش، گام‌های مهمی برای هدفی که در روزنامه‌نگاری تعقیب می‌کرد، برداشت. هرچند که برخی معتقدند در این کار مرزهای موجود بین خبرنگاری و روزنامه‌نگاری طرفدارانه، مخدوش شده است. او از ارائه نظراتش درباره مجازات مرگ امتناع می‌کند. البته این یک موضوع خصوصی است که در دنیای عینی‌گرایی روزنامه‌نگاری تحقیقی، جایی ندارد.

او در حالی که بازوانش را به دور شانه‌های زندانی تازه آزاد شده حلقه کرده بود گفت: «معمولاً، من به دانشجویانم تأکید می‌کنم که عینی‌گرایی را باور داشته باشند اما چیز دیگری نیز وجود دارد که نام آن، انسانیت است. روزنامه‌نگاران نه فقط برای پوشش دادن وجوه مختلف یک

■ شاهد ماجرای قتل،

وقتی در برابر ادله و

شواهد دانشجویان

روزنامه‌نگاری قرار گرفت

گفت که دروغ گفته است،

چون پلیس او را

ترسانده بود.



دیوید پروتیس، استاد روزنامه‌نگاری دانشگاه نورث‌وسترن (راست) همراه با دانشجویانی که روی پرونده زندان هیث‌رو به عنوان کار کلاسی کار می‌کردند، در عکس دیده می‌شود. تحقیقات دانشجویان او منجر به تبرئه و آزادی آنتونی پودتاز زندان شد.

می‌تواند صحت این دو موضوع را دچار تردید کند:

۱. آیا او اتهام خود را به درستی فهمیده است؟

۲. آیا او به اندازه کافی به دفاع از خود کمک کرده است؟

دیوان‌عالی ایالت ایلینویز نیز پذیرفت که اجرای حکم اعدام، براساس این توافق، متوقف شود و بدین ترتیب دانشجویان روزنامه‌نگاری دست به کار شدند.

دانیل سندرز، وکیل پورتر که سال گذشته دستور توقف حکم اعدام را گرفته

رویداد، بلکه باید تلاش و جدیت خود را برای یافتن حقیقت دوچندان کنند.» پروتیس همچنین انتقادهایی را که نسبت به روش سؤال‌برانگیز او در اخذ اعتراف از قاتل اصلی ابراز می‌شود، رد می‌کند. در آن ماجرا، سولینو، همکار وی برای کمک به گرفتن اعتراف از قاتل اصلی، از یک نوار ویدئویی جعلی استفاده کرد. نوار جعلی ویدئویی، در واقع بهانه یا وسیله‌ای بود تا با به تأخیر انداختن حکم اعدام، راه تیرته پورتر هموار گردد. انجام تحقیقات مجدد درباره جنایت سال ۱۹۸۲، برای دادیاران بیش از یک ماه به طول انجامید و حکم نهایی درباره رفع اتهام قتل از پورتر، بیش از یک‌ماه بعد از آزادی او از زندان دیث‌رو، در ۱۱ مارس صادر گردید.

از هنگامی که پروتیس تحقیق درباره حقیقت را با کمک به آزادی دیوید دولیبی، که به اشتباه به اتهام قتل نادرستی ۷ ساله‌اش محکوم شده بود، آغاز کرد یک دهه می‌گذشت و روشن بود که پروتیس خود را در مرکز یک طوفان حس کند. او با غلبه بر مواردی که به نظر می‌رسید هیچ‌کس خواهان آن نیست، برای خود یک شهرت ملی به ارمغان آورد. او هر بار که دانشجویانش به یک کشف یا ارزش خبری نائل می‌شوند، آوازه خود را با راهنمایی خبرنگاران تلویزیون محلی و ستون‌نویس روزنامه شیکاگو تربیبون به رخ می‌کشد. تصویر موفق او باعث شده است که کلاس‌های درس همواره مملو از دانشجویان مشتاق روزنامه‌نگاری باشد.

هنگامی که پروتیس و دانشجویانش، فورد هیتس را تیرته کردند، کارا رابینسکی دانشجوی سال اول بود که به منظور انجام کار عملی در کلاس او ثبت‌نام کرده بود. موضوع به چهار مرد مربوط می‌شد که اشتباها در سال ۱۹۷۸ به قتل یک مرد اهل شیکاگو و تجاوز و قتل نامزدش محکوم شده بودند.

رابینسکی در مراسمی که به افتخار پورتر برگزار شده بود گفت: بعد از این ماجرا، احتمالاً برای ده سال آینده دوست دارم، کارهایی نظیر همین مورد روزنامه‌نگاری تحقیقی پیدا کنم. پروتیس که می‌گوید سالانه حدود یک هزار نامه از کسانی دریافت می‌کند که معتقدند بی‌گناه هستند و بی‌دلیل محکوم شده‌اند، در هر ترم چهار پرونده را انتخاب و به عنوان تکلیف درسی به عهده چهار گروه از دانشجویان خود می‌گذارد. او می‌گوید نیاز به شهرت سبکی روزنامه‌نگاری‌اش، برایش مهمتر از آنست که شاهد تأمین بودجه رسیدگی به یک

انجام کارهایی هستند که حرفه‌ای‌ها از انجام آن عاجزند. سولیان می‌گوید: تجربه عجولانه تصحیح یک اشتباه و نجات جان چهارمرد، شک او را بیش از پیش نسبت به قضاوت‌های جنایی در ایالات متحده برمی‌انگیزد. اما این نکته نهفته‌ای نیست که او چگونه به عنوان یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای کار می‌کند. این وظیفه اخیر از او می‌خواهد که یک کنفرانس خبری را که وکیل فرد بازداشت شده در زندان دیث‌رو در شهر مری‌لند ترتیب داده است، پوشش دهد. او خبری از آن جلسه تهیه کرد که طرح کلی آن براساس بی‌گناهی موکل آن

■ استاد روزنامه‌نگاری: معمولاً من به دانشجویانم تأکید می‌کنم که عینی‌گرایی را باور داشته باشند اما چیز دیگری نیز وجود دارد که نام آن انسانیت است.

■ کلاس‌های درس استاد روزنامه‌نگاری که کار دانشجویانش منجر به آزادی حداقل دو زندانی بی‌گناه از زندان شد، مملو از دانشجویان مشتاق است.

پرونده از سوی دانشگاه باشد. وکیل استوار بود اما سردبیر اجازه نداد که آن خبر چاپ شود.

او می‌گوید؛ سردبیر معتقد بود که «این مورد عین روزنامه‌نگاری غیرمسئولانه است. این مرد برای دومین بار تلاش می‌کند تا تیرته شود اما باز هم محکوم خواهد شد. ما نمی‌توانیم خبر را بدون توجه به محتوای پرونده آن مرد، منتشر کنیم.» آن مأموریت به همکار دیگری که مسئول پوشش دادن به اخبار دولت محلی بود محول شد. □

منبع:

IPI Report, Second Quarter, 1999, pp. 6-7.